



محمد علی مهتدی

کارشناس مسائل سیاسی

یک هفته پس از برگزاری کنفرانس سران کشورهای عرب و اسلامی در دوحه برای بررسی تجاوز نظامی ارتش صهیونیستی به قطر، واکنش‌ها به این رویداد همچنان ادامه دارد. تحلیلگران امور منطقه جملگی بر این اعتقادند که این کنفرانس و اعلامیه پایانی و نتایج آن متناسب با حجم عظیم تحولات منطقه‌ای نبوده و کنفرانس نتوانسته به تصمیماتی عملی برای مقابله با وضعیت جدید و خطرناکی که پس ازگسترش تهاجمات رژیم صهیونیستی در منطقه پدید آمده است، دست یابد. هر چند سخنرانان در کنفرانس برای نخستین بار از ادبیات تند ی علیه اسرائیل استفاده کردند که تا کنون سابقه نداشته است و نشر گسترده این ادبیات در رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی را می‌توان یک امتیاز و تحولی مثبت تلقی کرد؛ اما نکات مهم همه سخنرانی‌ها را می‌توان در دو جمله خلاصه کرد: محکومیت تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی و حمایت از دولت قطر. بدیهی است که این محکوم کردن‌های لفظی با روی کاغذ اگر همراه با تصمیمات عملی و کارساز نباشد هرگز باعث بازآرندگی نمی‌شود البته بسیاری از محافل سیاسی چنین انتظاری داشتند و بعید می‌دانستند سران کشورهای عرب و اسلامی، به دلایل فراوان، موفق به اتخاذ تصمیماتی بازدارنده بشوند. شخص بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی، با اطمینان از ضعف حاکم بر رژیم‌های عرب، در همان روز دوشنبه گذشته که سخنرانان در کنفرانس دوحه تجاوز رژیم را محکوم می‌کردند حمله گسترده زمینی به شهر غزه را با بمباران ساختمان‌ها و بر چ‌ها آغاز کرد. ۶۰۰ هزار نفر ساکنان شهر برای چندمین بار رو به آوارگی به سمت جنوب بردن و آن روز بیش از ۸۰ نفر از ساکنان شامل زن و کودک به شهادت رسیدند و نتانیاهو با لحن تمسخرآمیزی خطاب به سران عرب گفت که در مساله غزه دخالت نکنند و به کار خود برسند. به همین ترتیب، در روزهای گذشته موجی از انتقاد در رسانه‌های منطقه و در شبکه‌های مجازی علیه کنفرانس دوحه و بیشتر علیه سران عرب به راه افتاد مبنی بر اینکه خطرات راهبردی و تحولات زرف ناشی از سیاست‌های جدید رژیم صهیونیستی و آمریکا را درک نمی‌کنند. کسی انتظار ندارد که به اسرائیل اعلان جنگ بدهند ولی دست کم می‌توانند، در حالیکه کودکان غزه از گرسنگی جان می‌دهند، از ارسال کمک‌های غذائی به اسرائیل خودداری کنند. یا، در حالیکه تظاهرات ضد صهیونیستی پایتخت‌ها و شهرهای جهان غرب را در بر گرفته، به ملت‌های خود اجازه تظاهرات بدهند. و با روابط خود با رژیم صهیونیستی رواقع منطقه و از توافقی ابراهام خارج شوند. شاید یکی از جالبترین واکنش‌ها به بی‌عملی کنفرانس که در فضای مجازی وایرال شد عکسی بود از یک تاکسی که پشت خود به زبان انگلیسی نوشته بود: «یوق زنید که پنجاه کشور اسلامی در خوانید!»

از سوی دیگر، مقاومت در منطقه، بی‌توجه به کنفرانس و نتایج آن، فعالیت مبارزاتی خود را تشدید کرد. در نوار غزه، مقاومت با این نگاه که ورود نیروی زمینی مستهلک ارتش صهیونیستی فرصتی است برای ضربه زدن و شکار سربازان و افسران رژیم، طی چند کمین و عملیات کیفی تعدادی از نظامیان از جمله خدمه یک تانک را به هلاکت رسانید. در کرانه باختری نیز حملاتی علیه صهیونیست‌های اشغالگر صورت گرفت. یک عملیات غیر قابل پیش‌بینی نیز در کنار پل النبی در مرز اردن با کرانه باختری رخ داد که طی آن یک فرد مسلح چهار نفر از نظامیان اشغالگر را به قتل رسانید و البته در همین زمان نیز ارتش و انصار... یمن با شلیک پهپادهائی غیرقابل ردیابی فرودگاه‌ها و دیگر تاسیسات حساس رژیم را هدف قرار دادند و هزاران نفر از صهیونیست‌ها را به پناهگاه‌ها کشاندند. در هر صورت، شواهد نشان می‌دهد که مقاومت با اطمینان به اینکه هیچ راه نفاذی با رژیم اشغالگر وجود ندارد مصمم است عملیات خود را آینده گسترش دهد. از این مقولات که بگذریم، ایک مهم‌ترین سؤال مربوط به امنیت راهبردی منطقه پورته کشورهای عرب در خلیج فارس است. وزیر امور خارجه قطر فاش کرده است که سامانه‌های ضد هوائی تارتیوت نصب شده در خاک قطر حتی نتوانسته‌اند هواپیماهای مهاجم را رصد کنند. این امر فرضیه هائی را مطرح کرده که این سامانه‌ها اصولاً طوری ساخته شده‌اند که هواپیماها و مهمات رژیم صهیونیستی را رصد نکنند.

با اینکه کدی وجود دارد که آمریکا به ارتش صهیونیستی داده که با استفاده از این کد می‌توانند این سامانه‌ها را خاموش و بی اثر کنند. نتیجه اینکه وجود این سامانه‌ها و سلاح‌های آمریکائی و پایگاه‌های نظامی آمریکا، در حالیکه رژیم نتانیاهو علناً دم از ایجاد اسرائیل بزرگ می‌زند و در آینده به همه این کشورها حمله خواهد کرد، به هیچ وجه قابل اعتماد نیستند و امنیت راهبردی این کشورها را تامین نمی‌کنند، چه باید کرد؟ سؤالی است که اکنون برای همه کشورهای منطقه که خود را زیر چتر امنیتی آمریکا قرار داده‌اند، وجود دارد. آیا آنها می‌توانند از زیر این چتر خارج شوند؟ آیا امکان توافق پیرامون ایجاد یک ائتلاف امنیتی نظامی منطقه‌ای برای آنها وجود دارد؟ دست کم، آیا چهار کشور مهم منطقه، مصر، عربستان سعودی، ترکیه و ایران می‌توانند پیرامون همکاری در یک چهارچوب امنیتی نظامی برای حفظ امنیت استراتژیک منطقه در برابر طرح‌های ویرانگر رژیم نتانیاهو به توافق برسند؟ این‌ها سؤالات ساده‌ای نیستند و پاسخ سریعی برای آنها وجود ندارد. آنچه مسلم است اینکه وقت تنگ است و هرگونه تعلل در این زمینه ممکن است عواقب بدی به بار آورد. این تحول مهم در این شرایط، اقدام عربستان سعودی برای اتحالی یک موافقتنامه دفاع مشترک با پاکستان و تحول مهم دیگر، سفر دبیر شورای عالی امنیت ملی به شاهزاده محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی و شاهزاده خالد بن سلمان، وزیر دفاع این کشور است. موضوعی که پیچیدگی‌های خاص خود را دارد و بحثی جداگانه و مستقل را می‌طلبد.

دکتر حیدر مستخدمین حسینی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

اقتصاد ایران نیاز به

تصمیم‌گیری قاطع دارد



باید روابط تجاری خود را با کشورهای تحت تحریم افزایش داد

یکی از راه‌های دور زدن تحریم‌ها دور زدن دلار است

خصوصی‌سازی واقعی آسیب‌های مکانیسم ماشه را کاهش می‌دهد



محدودیت‌های شدیدتری در حوزه‌های مالی نفتی بانکی و تجاری مواجه می‌شود. در چنین شرایطی بهترین راهبردهای اقتصادی برای کاهش آسیب و مدیریت شرایط ترکیبی از اقدامات فوری و راهبردی است. در واقع باید به سمت سیاست‌گذاری اقتصادی تاب‌آوری حرکت کنیم. در واقع با بازگشت تحریم‌ها از مسیر مکانیسم ماشه اقتصاد ایران باید به سمت خودکفایی هوشمند تاب‌آوری منطقه‌ای و اصلاح ساختارهای داخلی حرکت کند. موفقیت در این مسیر نیازمند تصمیم‌گیری قاطع، انسجام نهاد‌های حاکمیتی، اعتمادسازی با مردم و همکاری منطقه‌ای است.» در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

آرمان ملی - احسان انصاری: چگونه می‌توان آسیب‌های مکانیسم ماشه را به حداقل رساند و با این بین برد؟ آیا اقتصاد ایران شرایط تاب‌آوری فشارهای بیشتر را دارد؟ آیا راه‌هایی برای خنثی کردن مکانیسم ماشه و پیامدهای اقتصادی آن وجود دارد؟ تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان جامعه در چنین شرایط پیچیده‌ای چگونه باید عمل کنند؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سؤالات با دکتر حیدر مستخدمین حسینی اقتصاددان و کارشناس بازار بورس و سرمایه گفت‌وگو کرده است. مستخدمین حسینی در این زمینه معتقد است: «پس از اجرای مکانیسم ماشه که به معنای بازگشت خودکار تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران است، کشور با

با فعال شدن مکانیسم ماشه اقتصاد ایران در چه وضعیتی قرار خواهد گرفت؟

با اجرای مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های بین‌المللی، کشور در شرایطی قرار گرفته است که نیازمند بازنگری عمیق در سیاست‌های اقتصادی تجاری و مالی است. این مهم نیاز به نقشه راهی برای عبور از این دوره بر پایه تاب‌آوری اقتصادی دیپلماسی فعال منطقه‌ای و اصلاحات ساختاری دارد. در چنین شرایطی ما باید چند روش را در پیش بگیریم. نخست تکیه بر اقتصاد درون‌زا و مقاومتی است. این روش در برگیرنده تقویت زنجیره تأمین داخلی از طریق حمایت هدفمند از صنایع مادر و پیشران، تخصیص تسهیلات با نرخ ترجیحی به تولیدکنندگان کالاهای جایگزین واردات، تشویق نخبگان اقتصادی به راه‌اندازی واحدهای صنعتی کوچک و متوسط است. دوم تنوع بخشی به منابع ارزی کشور با مدیریت زیر ساختی است که گسترش صادرات غیرنفتی، پتروشیمی، فولاد، فرش، خشکبار، خدمت‌های مهندسی و ایجاد سازوکار تهاثاری با شرکای منطقه‌ای و آسیای میانه روسیه، ایران چین را در بر می‌گیرد. همچنین باید توسعه بستر قانونی برای استفاده از رمزارزهای ملی یا یومی شده در تجارت خارجی در دستور کار قرار بگیرد.

پس از فعال شدن مکانیسم ماشه نوسان بازار ارز و طلا و واکنش‌های مختلف اجتماعی مواجه شده است. در شرایط پیش رو چگونه می‌توان بازار سرمایه را مدیریت کرد؟

در این زمینه باید تدبیر کرد و با ایجاد بازار مدیریت شده ارز چند نرخ با نرخ بازار رسمی و نرخ ترجیحی کالاهای اساسی و همچنین ایجاد سامانه‌های رصد لحظه‌ای عرضه و تقاضای ارز شرایط را مدیریت کرد. نکته دیگر اینکه می‌توان با راه‌اندازی سامانه کوپنی هوشمند کالاهای اساسی برای حمایت از دهک‌های پایین درآمدی، اجازه نداد فشار اقتصادی به طبقه ضعیف جامعه افزایش پیدا کند. در زمینه بین‌المللی نیز ما باید اقداماتی را انجام بدهیم. از جمله تقویت همکاری با سیستم‌های پرداخت بین‌المللی غیر دلاری مانند CIPS که به فارسی می‌شود سامانه پرداخت بین بانکی فرامرزی چین. CIPS یک سیستم پرداخت بین‌المللی است که در سال ۲۰۱۵ توسط بانک مرکزی چین راه‌اندازی شد. هدف از آن ایجاد یک جایگزین برای سیستم پرداخت تجاری جهانی است که با محوریت یوان چین انجام می‌شود. در چنین شرایطی انتقال پول بین بانکی بین‌المللی با یوان چین صورت می‌گیرد و وابستگی کشورهای مختلف به دلار و سیستم سوئیفت کاهش پیدا می‌کند. در حال حاضر بیش از ۱۰۰ کشور مانند روسیه، ایران به صورت محدود، پاکستان، کشورهای آسیای مرکزی، امارات و برخی کشورهای آفریقایی و ۱۲۰۰ بانک به نوعی به این شبکه متصل‌اند.

به چه میزان این سیستم می‌تواند نیازهای بین‌المللی ایران را مرتفع کند؟

در این طرح ایران امکان تجارت با کشورهایی که تحت تحریم‌های آمریکا هستند را پیدا خواهد کرد. همچنین این طرح می‌تواند به ابزار تسهیل‌کننده ابتکارها و گسترش جاده چین جمهوری چین که به منظور اتصال آسیا، اروپا و آفریقا پی‌ریزی شد کمک کند. در این طرح افزایش مبادلات با چین تسهیل صادرات و واردات مستقیم با یوان شکل خواهد گرفت.

تشدید تحریم‌ها فرصتی است برای اصلاح

اقتصاد ایران بر پایه استقلال، شفافیت و

عقلانیت. با اجرای هماهنگ این بسته

می‌توان ضمن مدیریت فشارهای خارجی

زیرساخت‌های یک اقتصاد تاب‌آور و

مردمی را پایه‌گذاری کرد

همچنین در این طرح می‌توان توسعه تجارت تهاثاری امکان مبادله کالا بدون نیاز به ارز ثالث، ایجاد شعب ویژه بانکی در کشورهای همسوهت تسهیل مبادلات عراق، روسیه، ترکیه و چین را مورد توجه قرار داد. توسعه فنآوری‌های مالی فین‌تک برای تسهیل پرداخت‌های داخلی و خارجی، دیپلماسی اقتصادی فعال و منطقه‌ای، امضای پیمان‌های پولی دوجانبه با کشورهای همسایه برای حذف دلار از مبادلات، گسترش همکاری‌های بانوک‌های منطقه‌ای مانند، بریکس، سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه و اوراسیا و راه‌اندازی دفتر بازرگانی فعال در ۲۰ کشور هدف صادراتی از جمله دیگر اقداماتی است که می‌توان در زمینه بین‌المللی برای کاهش آسیب‌های مکانیسم ماشه انجام داد.

در داخل کشور چگونه می‌توان اقتصاد را مدیریت کرد که کشور با چالش‌های کمتری مواجه شود؟

در این زمینه نیازمند اصلاحات ساختاری و خصوصی‌سازی واقعی هستیم. واگذاری شفاف و رقابتی بنگاه‌های دولتی با رویکرد خصوصی‌سازی مردمی، ایجاد پنتجر واحد سرمایه‌گذاری با کاهش مجوزها و مقررات زائد، تدوین بسته مشوق‌های مالیاتی برای سرمایه‌گذاری داخلی، مبارزه با فساد و ارتقای شفافیت اقتصادی، انتشار عمومی اطلاعات مربوط به تخصیص ارز مجوزهای وارداتی و تسهیلات بانکی، تقویت سامانه‌های هوشمند مالیاتی و نظارتی و حمایت از رسانه‌ها و نهاد‌های مردمی برای نظارت عمومی بر تصمیمات اقتصادی دولت از جمله اقداماتی است که در شرایط کنونی می‌توان در زمینه مدیرتی داخلی اقتصاد انجام داد. البته برخی اقدامات را باید به صورت فوری انجام داد تا آسیب‌های احتمالی کاهش پیدا کند. ایجاد کارگروه اقتصاد در شرایط تحریم با حضور

اقتصاد ایران باید به سمت خودکفایی

هوشمند، تاب‌آوری منطقه‌ای و اصلاح

ساختارها حرکت کند. موفقیت در این

مسیر نیازمند تصمیم‌گیری قاطع و انسجام

نهاد‌های حاکمیتی، اعتمادسازی و

همکاری منطقه‌ای است

مشاور رئیس جمهور:

کیفیت بخشی به احزاب با جدیت دنبال می‌شود

پیشبرد اهداف توسعه‌ای کشور است. مشاور رئیس جمهور در امور تشکل‌ها و احزاب عنوان کرد: این دولت تنها دولتی است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با تمام جریانات سیاسی کار می‌کند و یک گفتگوی ملی رو طراحی کرده تا تمام جریانات سیاسی بتوانند باهم گفت‌وگو کنند. آهی ادامه داد: در دولت چهاردهم، بیشترین تعداد نشست‌های رئیس جمهور با تشکل‌ها و احزاب تا کنون برگزار شده است. این نشان دهنده اهمیت و توجه دولت به تعامل و هماهنگی با احزاب را استای

بدون فعالیت مؤثر احزاب، امکان تحقق موفقیت‌ها و اهداف سیاسی وجود ندارد. مشاور رئیس جمهور در امور تشکل‌ها و احزاب اظهار کرد: ما احزاب را همواره در کنار خود می‌دانیم و حضور آنها در راستای توسعه در بخش‌های گوناگون کشور امری ضروری است. آهی ادامه داد: در دولت چهاردهم، بیشترین تعداد نشست‌های رئیس جمهور با تشکل‌ها و احزاب تا کنون برگزار شده است. این نشان دهنده اهمیت و توجه دولت به تعامل و هماهنگی با احزاب را استای

پیشبرد اهداف توسعه‌ای کشور است. مشاور رئیس جمهور در امور تشکل‌ها و احزاب عنوان کرد: این دولت تنها دولتی است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با تمام جریانات سیاسی کار می‌کند و یک گفتگوی ملی رو طراحی کرده تا تمام جریانات سیاسی بتوانند باهم گفت‌وگو کنند. آهی ادامه داد: در دولت چهاردهم، بیشترین تعداد نشست‌های رئیس جمهور با تشکل‌ها و احزاب تا کنون برگزار شده است. این نشان دهنده اهمیت و توجه دولت به تعامل و هماهنگی با احزاب را استای

پیشبرد اهداف توسعه‌ای کشور است. مشاور رئیس جمهور در امور تشکل‌ها و احزاب عنوان کرد: این دولت تنها دولتی است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با تمام جریانات سیاسی کار می‌کند و یک گفتگوی ملی رو طراحی کرده تا تمام جریانات سیاسی بتوانند باهم گفت‌وگو کنند. آهی ادامه داد: در دولت چهاردهم، بیشترین تعداد نشست‌های رئیس جمهور با تشکل‌ها و احزاب تا کنون برگزار شده است. این نشان دهنده اهمیت و توجه دولت به تعامل و هماهنگی با احزاب را استای

گزارش

گام بعدی آمریکا و اسرائیل علیه ایران چیست؟

چرا نباید دم‌شاخ بوفالو‌ها ایستاد؟

فعال سازی مکانیسم ماشه با همان اسنپ‌بک در شورای امنیت، ایران را بار دیگر در نقطه‌ای حساس میان سیاست خارجی، دیپلماسی و محاسبات امنیتی قرار داده است. اگرچه این مکانیسم به بازگرداندن تحریم‌های پیشین محدود می‌شود، پیامدهای آن فراتر از مسائل اقتصادی است و راه را برای فشارهای بین‌المللی و حتی اقدام‌های نظامی علیه کشور باز می‌کند. در این میان، نحوه مواجهه مسئولان داخلی با این فشارها، از تحلیل واقع‌بینانه تا کوچک‌شمردن اثرات تحریم‌ها، نقش تعیین‌کننده‌ای در مدیریت افکار عمومی و ثبات اجتماعی دارد. از این رو باید ضمن توجه و دقت به تهدیدهای خارجی و راهبردهای آمریکا و اسرائیل، نگاه ویژه‌ای هم به رویکرد داخلی در برخورد با فشارهای تحریمی، به‌ویژه کوچک‌شمردن آثار اسنپ‌بک داشت و بررسی کرد که این رویکرد‌ها چگونه سبب تشدید مشکلات می‌شود.

چشم‌انداز ۴۲ ماهه

مکانیسم اسنپ‌بک، بخشی از سازوکار توافق هسته‌ای و قطعنامه ۲۲۳۱ است که امکان بازگرداندن سریع تحریم‌ها را در صورت «عدم اجرای قابل توجه» تعهدات ایران فراهم می‌کند. با فعال شدن این مکانیسم، ایران نه تنها در معرض محدودیت‌های اقتصادی و مالی قرار می‌گیرد، بلکه تحریم‌های بین‌المللی مشروعیت قانونی پیدا می‌کنند و کشورهای عضو سازمان ملل ملزم به رعایت آنها هستند. گام بعدی که تحلیلگران آن را محتمل می‌دانند، تلاش برای قرار دادن ایران تحت ماده ۴۲ منشور سازمان ملل است. این ماده، در صورت تصویب شورای امنیت، مجوز انجام اقدامات نظامی با مشارکت در عملیات جمعی علیه کشوری را فراهم می‌کند. اگر ایران به‌صورت رسمی «تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌الملل» شناخته شود، امکان فشار سیاسی و نظامی افزایش یافته و دست بازنگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای اعمال سیاست‌های سخت‌تر با ز می‌شود. کیومرث اشتریان در یادداشتی این نکته را برجسته می‌کند که مذاکره صرف با رهبران غربی بدون پشتوانه قوی سیاسی-نظامی، راهگشاییست. او می‌نویسد: «ترامپ شخصی خودشیفته و کاسب است و می‌توان با او کنار آمد. اما با گذشت زمان مشخص شده است این دواپیژی واجد فرصت روشنی برای هیچ کشوری نبوده و برای ایران نیز نیست». افزون بر این، شرط سوم اروپا برای جلوگیری از اسنپ‌بک، یعنی «مذاکره با آمریکا»، در عمل متنی با پایان باز است و می‌تواند ابزاری برای فشار دوباره باشد. در مباحث بین‌المللی، یکی از نکات حساس و اثرگذار، درخواست کاهش برد موشک‌های ایران به زیر ۵۰۰ کیلومتر است. پذیرش چنین محدودیتی، توان بازآرندگی ایران را تضعیف می‌کند و پیام روشنی به دشمنان درباره تسلیم احتمالی می‌دهد. اشتریان هشدار می‌دهد: «این مطالبه هر چند ظاهر غیرمسی است، اما یک تهدید جدی است که ایران را بدون دفاع موشکی در تیررس اسرائیل قرار خواهد داد.»

کوچک‌شمردن تحریم‌ها

در داخل کشور، برخورد مسئولان با فعال شدن اسنپ‌بک نیز تأثیر مستقیمی بر جامعه دارد. روزنامه جمهوری اسلامی به صراحت از مسئولانی انتقاد کرده که تحریم‌های سازمان ملل را کوچک می‌شمارند و مدعی شده‌اند آثار آن بر اقتصاد محدود خواهد بود. در حالی که واقعیت زندگی اقشار ضعیف جامعه چیز دیگری را نشان می‌دهد. این رسانه خطاب به مسئولان تأکید کرده که «نفش‌تان از جای گرم بلند می‌شود؛ حقوق نجومی دارید و خانه سازمانی و...». همین فاصله زندگی مسئولان از واقعیت مردم باعث می‌شود که کوچک‌شمردن اثر تحریم‌ها، به جای آرام‌کردن جامعه، آن را تحریک و نارضایتی عمومی را افزایش دهد. خبرگزاری‌ها و تحلیلگران داخلی به این نکته اشاره دارند که تلاش برخی افراد برای تلطیف شرایط و کاهش فشار روانی بر مردم و نشان دادن تحریم‌های شش‌گانه سازمان ملل به عنوان مشابه تحریم‌های آمریکا، در عمل نتیجه‌ای جز کاهش اعتماد اجتماعی و تضعیف سرمایه‌های حاکمیتی، تجربه نشان داده هرگاه فشارهای بین‌المللی ملموس بر معیشت مردم تأثیر می‌گذارد و مسئولان صداقت کافی در اطلاع‌رسانی نداشته باشند، افکار عمومی حساس شده و حتی حمایت‌های اجتماعی برای دولت محدود می‌شود. محمد مهاجری، فعال مطبوعاتی و تحلیلگر مسائل سیاسی با اشاره به کاسبان تحریم می‌گوید: «خوشحالی آنها دلایل بسیار ساده‌ای دارد کافی است به این سؤال پاسخ دهیم که چه کسانی از تحریم‌نان می‌خورند؟ پاسخ روشن است کاسبان تحریم.»

تعادل بین خارج و داخل

تجربه تاریخی ایران نشان داده است که کوچک‌شمردن فشارهای بین‌المللی و غفلت از پیامدهای اجتماعی، علاوه بر تشدید مشکلات اقتصادی، نارضایتی عمومی را نیز افزایش می‌دهد. دولت‌ها و مسئولانی که صرفاً توانایی‌های خود برای «خنثی کردن آثار تحریم‌های» را می‌بینند، بدون ارائه تصویر روشن از واقعیت‌های ملموس برای مردم، راهبردی ناقص را دنبال می‌کنند.